

Analyzing the effect of force schema on the conceptualization of Satan in the Holy Quran: A cognitive approach

Fatemeh Abadi^{*}, Fathiyeh Fattahizadeh^{}**

Azita Afrashi^{*}**

Abstract

According to conceptual metaphor theory, abstract concepts are understood based on experiential concepts. There are many types of this kind of conceptualization in the Holy Quran. In this study, 129 verses related to the concepts of Satan / Iblis were studied with the aim of analyzing the pattern of conceptualization of Satan in the Qur'an based on the force schema that plays a central role in human physical experiences. Studies show that in the Quran, seven types of force schemas are used, and in addition, another type of force is introduced as the dominant directional force. The force scheme conceptualized Satan from two perspectives: 1- While Satan presents a powerful and dominant image of himself, God presents him as an ineffective source of power. 2- Satan leads man to obedience by showing ugly deeds beautifully, but the Qur'an, relying on man's undesirable experiences of getting lost, encountering obstacles, and losing balance, introduces Satan as the cause of similar consequences and a negative image. It creates undesirable in the mind of the

* PhD in Quranic studies and Hadith, Department of Quranic studies and Hadith, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran. f.abadi@alzahra.ac.ir

** Professor of Department of Quranic studies and Hadith, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran. (Corresponding Author), f_fattahizadeh@alzahra.ac.ir

*** Associate Professor Department of Theoretical Linguistics, Institute of Linguistics, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran. a.afrashi@ihcs.ac.ir

Date received:30/10/2021, Date of acceptance: 13/03/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

individual/society from following the devil, which will prevent the tendency towards the Satan.

Keywords: Satan, Iblis, Force Scheme, Holy Quran, Conceptualization.

تحلیل تاثیر طرحواره نیرو در مفهوم‌سازی شیطان در قرآن کریم: رویکرد شناختی

فاطمه آبادی*

فتحیه فتاحی زاده**، آریتا افراشی***

چکیده

بر اساس نظریه استعاره مفهومی، مفاهیم انتزاعی بر اساس مفاهیم تجربه‌پذیر درک می‌شوند. در قرآن کریم نیز شواهد گسترده‌ای از این گونه مفهوم‌سازی، وجود دارد. در پژوهش حاضر، پیکره‌ای شامل ۱۲۹ آیه مرتبط با مفاهیم شیطان/ابلیس، با هدف تحلیل الگوی مفهوم‌سازی شیطان در قرآن بر مبنای طرح‌واره نیرو مطالعه شده است. بررسی‌ها نشان داد که در قرآن انواع هفتگانه طرح‌واره نیرو در مفهوم‌سازی شیطان به کار رفته و علاوه بر آن نیروی مسلط جهت‌مند نیز معرفی شده است. طرح‌واره نیرو، شیطان را از دو منظر مفهوم‌سازی کرده است: ۱- درحالی‌که شیطان تصویری قدرتمند و غالب از خود ارائه می‌دهد، خداوند او را به صورت منبع نیرویی بی‌اثر به تصویر می‌کشد. ۲- درحالی‌که شیطان با زیبا جلوه دادن پیامدهای کفر، انسان را به تبعیت از خود سوق می‌دهد، قرآن با تکیه بر تجربیات نامطلوب انسان از مفاهیمی هم‌چون گم شدن، برخورد با مانع، از دست دادن تعادل و مانع در مسیر، شیطان را عامل پیامدهایی مشابه، معرفی و به این ترتیب

* دکترای علوم قرآن و حدیث، عضو گروه پژوهشی مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران f.abadi@alzahra.ac.ir

** استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران (نویسنده مسئول) f_fattahizadeh@alzahra.ac.ir

*** دانشیار گروه زبان‌شناسی حوزه نظری، پژوهشکده زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران a.afrahi@ihcs.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۲



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

تصویری منفی و نامطلوب در ذهن فرد/جامعه از تبعیت از شیطان ایجاد می‌کند که مانع از گرایش به سمت شیطان خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: شیطان، ابلیس، طرح‌واره نیرو، قرآن کریم، مفهوم‌سازی

۱. مقدمه

یافته‌های جدید علوم شناختی نشان می‌دهد که ذهن انسان برای درک مفاهیمی خارج از محدوده ادراک حسی، با استفاده از قابلیت عملکرد حسی حرکتی به درک مفاهیم انتزاعی بر مبنای مفاهیم عینی می‌پردازد (لیکاف و نونز، ۱۳۹۶: ۲۳). مفهوم‌سازی شیطان به عنوان مفهومی انتزاعی در قرآن کریم به عنوان متنی که فرو فرستاده شده تا توسط انسان درک شود و مبنای جهت‌گیری در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی قرار گیرد از این قاعده که مبتنی بر نظام ادراکی ذهن انسان است، مستثنی نیست.

ساختار مفهومی ذهنی موضوعی بسیار با اهمیت است؛ تا جایی که بسیاری قدرت‌ها نه با قدرت واقعی بلکه اغلب با قدرتی که از طریق ایجاد این تصاویر ذهنی به وجود آورده‌اند، حاکمیت خود را حفظ می‌کنند (ر.ک: فرامرز قراملکی، ناسخیان، ۱۳۹۶: ۲۵۳). در همین راستا شیطان نیز در تلاش است از یک جهت با ارائه تصویری قدرتمند و غالب از خود (به عنوان نمونه ر.ک: نساء: ۱۱۹؛ حجر: ۳۹) و از جهتی دیگر با زیبا جلوه دادن آنچه انسان را به سوی آن می‌خواند و پیامدهای تبعیت از خود (به عنوان نمونه ر.ک: انفال: ۴۸؛ نحل: ۶۳؛ طه: ۱۲۰)، انسان را به هواخواهی خویش فراخواند. در مقابل، قرآن کریم با تکیه بر طرح‌واره‌های تصویری (Image Schema) و استعاره مفهومی (Conceptual Metaphor) تصویری روشن از مفهوم شیطان، جایگاه او در نظام هدایت/اضلال و پیامدهای تبعیت از وی در ذهن فرد/جامعه ایجاد می‌کند.

پژوهش حاضر در تلاش است الگوی مفهوم‌سازی قرآن از مفهوم شیطان بر مبنای انواع مختلف طرح‌واره نیرو را استخراج و تحلیل کند. طرح‌واره‌های تصویری الگوهایی تکرار شونده و پویا از تعامل ادراکی و حسی حرکتی انسان با محیط و وسیله ساختاربندی تجربه است به گونه‌ای که به ادراک‌های حسی و مفاهیم ما نظم و هم‌بستگی می‌بخشد (جانسون: ۱۳۹۸: ۱۴۷). این طرح‌واره به عنوان یکی از مهم‌ترین طرح‌واره‌های تصویری در تمامی

برهم‌کنش‌های علی حضور دارد و در تجربیات جسمانی بشر دارای نقش مرکزی است (ر.ک: جانسون، ۱۳۹۸: ۱۰۲).

این پژوهش در تلاش است به سوالات زیر پاسخ دهد:

۱. عملکرد انواع مختلف طرح‌واره نیرو در مفهوم‌سازی شیطان در قرآن چگونه است؟
۲. طرح‌واره نیرو در مفهوم‌سازی شیطان در قرآن چه تأثیری بر تبعیت یا عدم تبعیت از شیطان دارد؟

در سال‌های اخیر مطالعات گوناگونی در حوزه طرح‌واره‌ها در قرآن انجام شده است؛ به عنوان نمونه قائمی و ذوالفقاری (۱۳۹۵) طرح‌واره‌های تصویری در حوزه زندگی به مثابه سفر در قرآن را مورد بررسی قرار داده‌اند. سلیمی و علی نتاج (۱۳۹۶) طرح‌واره‌های تصویری در حوزه مفاهیم تربیت دینی در قرآن را مطالعه کرده‌اند. محمدی و جمشیدی (۱۳۹۹) طرح‌واره‌های تصویری و استعاره‌های مفهومی در جزء سیم قرآن را تحلیل کرده‌اند. پرهیزکار و کرد زعفرنلو (۱۳۹۹) با استفاده از طرح‌واره‌های حجمی در قرآن به تحلیل توصیفات بهشت و جهنم پرداخته‌اند. در ارتباط با طرح‌واره نیرو به صورت مجزا، کریمی، پوراابراهیم و قائمی (۱۳۹۶) طرح‌واره نیرو در گزاره‌های اخلاقی قرآن کریم را استخراج کرده و به تحلیل تأثیر این طرح‌واره در مفهوم‌سازی گزاره‌های اخلاقی پرداخته‌اند. در رابطه با بررسی مفهوم شیطان از منظر مطالعات شناختی آبادی، فتاحی‌زاده و افراشی (۱۳۹۹) تأثیر شیطان در نظام هدایت/ضلالت را بر مبنای مقوله حرکت در قرآن مورد بررسی قرار داده‌اند.

مطالعه مفهوم شیطان به عنوان مفهومی دینی از جنبه‌های گوناگون کلامی، لغوی و تفسیری پیشینه‌ای طولانی در سنت مطالعات اسلامی و حتی پیش از اسلام دارد ولی پژوهش حاضر از حیث استخراج الگوی مفهوم‌سازی شیطان در قرآن بر مبنای طرح‌واره نیرو و تحلیل تأثیر این الگوی مفهوم‌سازی مبتنی بر تجربیات جسمانی انسان از تعامل با محیط بر تبعیت/عدم تبعیت از شیطان از نوآوری برخوردار است.

استخراج طرح‌واره‌ها با توجه به متن اصلی قرآن و نه ترجمه‌های فارسی انجام شده و در این راه برای دستیابی به فهم صحیح آیه به منابع لغوی عربی کلاسیک، تفاسیر و در صورت لزوم به منابع ریشه‌شناسی مراجعه شده ولی در انتخاب ترجمه آیات از میان

ترجمه‌های موجود قرآن کریم، تلاش شده است ترجمه‌ای انتخاب شود که استعاره و طرح‌واره موجود را به بهترین شکل نشان داده است.

۲. مبانی نظری

طرح‌واره نیرو از مهم‌ترین طرح‌واره‌های تصویری است که نخستین بار جانسون در کتاب بدن در ذهن (۱۹۸۷) به معرفی آن پرداخت. وی با اشاره به این که عامل بقای موجود زنده، تعامل وی با محیط است و همه برهم‌کنش‌های علی مستلزم اعمال نیرو هستند، نقش مرکزی نیرو در تجربیات جسمانی بشر را تبیین کرد (ر.ک: جانسون، ۱۳۹۸: ۱۰۲). این تجربه فیزیکی انسان که برگرفته از تعامل با محیط پیرامون است، مبنای مفهوم‌سازی حوزه‌های انتزاعی قرار می‌گیرد؛ برای مثال علاقه به صورت نیروی جاذبه و قوانین و تعهدهای اجتماعی به صورت نیروی فشار یا مانع مفهوم‌سازی می‌شوند (ر.ک: جانسون، ۱۳۹۸: ۱۱۳؛ Kovecses, 2010, 37).

طرح‌واره‌های تصویری می‌توانند حالت خوشه‌ای (Clusters) یا شبکه‌ای (Networks) داشته باشند. طرح‌واره نیرو نیز از این نوع و شامل مجموعه‌ای از طرح‌واره‌های به هم وابسته می‌باشد که در ویژگی‌های زیر با یکدیگر مشترک می‌باشند (ر.ک: جانسون، ۱۳۹۸: ۱۰۳-۱۰۵؛ Evans & Green, 2006, 187): ۱- همواره از طریق تعامل (Interaction) تجربه می‌شوند. ۲- شامل بردار نیرو و به عبارت دیگر جهت دار (Directional) هستند. ۳- غالباً شامل مسیر حرکت واحد هستند. ۴- مبدأ یا منبع (Source) و مقصد یا هدفی (Target) دارند. ۵- نیروها درجاتی از شدت و ضعف دارند. ۶- نیروها دربرگیرنده زنجیره‌ای از علت‌ها هستند.

جانسون هفت نوع از طرح‌واره‌های نیرو را به شکل زیر معرفی می‌کند (جانسون، ۱۳۹۸: ۱۰۶-۱۰۹):

۱. فشار (Compulsion) که به عنوان نمونه به صورت جابه‌جا شدن در اثر نیروهای خارجی مثل باد، آب و اشیاء خارجی در تجربه جسمانی ما درک می‌شود.
۲. انسداد (Blockage) که در تجربه جسمانی به صورت برخورد با موانع درک می‌شود.

۳. نیروی متقابل (Counterforce) که به عنوان نمونه از طریق تجربه برخورد دو اتومبیل از روبه‌رو به یکدیگر درک می‌شود.

۴. انحراف (Diversion) به گونه‌ای که برآیند تاثیر دو یا چند نیرو بر یک شیء، نیرویی در جهت دیگر است و به این ترتیب شیء تغییر مسیر می‌دهد.

۵. حذف مانع (Removal of restraint) به این معنا که چیزی سد راه اعمال نیرو نیست و در تجربه جسمانی به عنوان نمونه به صورت باز بودن در و نبود مانع فیزیکی در مسیر حرکت درک می‌شود.

۶. توانایی (Enablement) که در تجربه جسمانی به صورت احساس انسان از توانایی یا عدم توانایی در جابه‌جا کردن اجسام سبک یا سنگین درک می‌شود.

۷. جذب (Attraction) که در تجربه جسمانی به صورت احساس جاذبه زمین بر جسم و جذب براده‌های آهن به سمت آهن‌ربا درک می‌شود.

جانسون معتقد است فهرست ذکر شده تنها گزیده‌ای از طرحواره‌های مهم نیرو هستند و در حالت دقیق می‌توان بین نیروهای پایدار، نیروهای تناوبی، نیروهای کاهشی و ... تمایز قائل شد (جانسون، ۱۳۹۸: ۱۱۰).

به عنوان یکی از ویژگی‌های مشترک در تمام طرح‌واره‌های تصویری به ویژگی مثبت - منفی اشاره شده است؛ به این معنا که همه طرح‌واره‌ها دربردارنده یک مؤلفه ارزش‌گذاری هستند؛ به عنوان نمونه، در ارتباط با طرح‌واره نیرو می‌توان گفت وجود نیروی مانع دارای ارزش‌گذاری منفی و عدم وجود مانع دارای ارزش‌گذاری مثبت است. (ر.ک: Forceville, 2016: 6; Oakley, 2007: 230).

استعاره در ادبیات، در قالب «به کارگیری یک لفظ در غیر معنایی که برای آن وضع شده است، به گونه‌ای که بین معنای حقیقی و معنای استعاری رابطه مشابهت وجود داشته باشد و قرینه‌ای بر استعاری بودن معنا دلالت کند» تعریف می‌شود (هاشمی، ۲۰۱۰: ۲۲۵). استعاره در مفهوم سنتی مختص زبان ادبی است و در این سنت تصریح می‌شود که زبان علمی باید خالی از استعاره و مجاز باشد (هاشمی، ۲۰۱۰: ۳۳).

این در حالی است که مایکل ردی (M. Reddy) در سال ۱۹۷۹ در مقاله «استعاره مجرا» تعریف جدیدی از استعاره ارائه داد و پیشنهاد کرد که سطح تعریف استعاره‌ها ذهن است و نه زبان. در سال ۱۹۸۰ لیکاف و جانسون در کتاب استعاره، چیزی که با آن زندگی می‌کنیم

استعاره مفهومی را معرفی کردند. لیکاف در دیگر آثار خود استعاره را به مثابه ابزار تفکر و نه صرفاً یک آرایه ادبی و زبانی مورد بررسی قرار داد (افراشی، ۱۳۹۷: ۷). بر مبنای این تعریف جدید، استعاره عبارت است از درک یک حوزه مفهومی به کمک یک حوزه مفهومی دیگر. حوزه مفهومی که به کمک آن حوزه مفهومی دیگری درک می‌شود، حوزه مبدأ (Source domain) و آن حوزه مفهومی که به این روش درک می‌گردد، حوزه مقصد (Target domain) نامیده می‌شود (کووچش، ۱۳۹۳: ۱۴-۱۵). حوزه مبدأ فیزیکی‌تر، تجربه آن مستقیم‌تر و شناخته شده‌تر است. در مقابل، حوزه مقصد انتزاعی‌تر، تجربه آن غیر مستقیم‌تر و کمتر شناخته شده است (کووچش، ۱۳۹۶: ۱۴). استعاره مفهومی به شکل [حوزه مقصد حوزه مبدأ است] صورت‌بندی می‌شود.

با توجه به ماهیت حوزه مبدأ در نگاشت‌های استعاری، دو طبقه از استعاره‌های مفهومی شکل می‌گیرد. اگر حوزه مبدأ در استعاره، یکی از انواع طرح‌واره‌ها باشد، استعاره طرح‌واره بنیاد و اگر حوزه مبدأ برگرفته از اطلاعات ما از جهان خارج باشد، استعاره دانش بنیاد به شمار می‌رود (افراشی، ۱۳۹۷: ۱۶ و ۱۸).

۳. طرح‌واره نیرو در مفهوم‌سازی شیطان

مطالعه آیات مرتبط با مفهوم شیطان نشان می‌دهد که طرح‌واره نیرو نقش مؤثری در مفهوم‌سازی آن دارد؛ به گونه‌ای که انواع مختلف طرح‌واره نیرو که در قالب نیروی فشار، انسداد، تغییر مسیر و ... به آن اشاره شد، در مفهوم‌سازی کنش‌های شیطان به عنوان عاملی مؤثر بر گمراهی انسان از یک سو و از سوی دیگر در ارائه تصویری از شیطان به عنوان موجودی که در زمره ملائکه قرار داشت ولی با نافرمانی خدا تنزل درجه پیدا کرد، نقش ایفا می‌کنند. در ادامه انواع طرح‌واره نیرو و تاثیر هریک در مفهوم‌سازی شیطان در قرآن کریم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱.۳ نیروی فشار

همه انسان‌ها به دلیل تعامل فیزیکی با محیط پیرامون خود با راننده شدن اجسام توسط نیروهای خارجی آشنا هستند؛ نیروهایی که از جایی می‌آید (منبع مشخصی دارد) و جسم را

در مسیری معین به حرکت درمی‌آورد. به عنوان نمونه جمعیتی فشار می‌آورد و شما با نیرویی که توان مقابله با آن را ندارید، در جهتی رانده می‌شوید. این ساختار طرح‌واره نیرو در تصویر (۱) نمایش داده شده است (ر.ک: جانسون، ۱۳۹۸: ۱۰۶). این تجربه فیزیکی برگرفته از تعامل حسی-حرکتی انسان با محیط مبنای مفهوم‌سازی شیطان در قرآن از یک منظر به عنوان موجودی که تحت تاثیر نیروهای خارجی می‌باشد و از منظر دیگر به عنوان نیروی مؤثر بر افراد و جامعه انسانی، قرار گرفته است. در میان طرح‌واره‌های نیرو، طرح‌واره فشار با بالاترین بسامد تکرار (۲۷ مورد) نقش مؤثری در مفهوم‌سازی شیطان بر عهده دارد.



تصویر (۱) - طرح‌واره نیروی فشار

همان‌طور که گفته شد، طرح‌واره نیروی فشار از دو منظر در مفهوم‌سازی شیطان نقش دارد: ۱- شیطان/ابلیس به عنوان موجودی که نیرو بر او اعمال می‌شود و ۲- شیطان به عنوان نیروی مؤثر بر فرد/جامعه. در ابتدا مفهوم‌سازی شیطان به عنوان موجودی که تحت تاثیر نیرویی از جانب خداوند قرار دارد، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

لانگاکر معتقد است که طرح‌واره‌ها می‌توانند در مقوله‌ای دستوری بازنمود پیدا کنند؛ به این ترتیب که فعل امر می‌تواند دارای محتوای طرح‌واره نیرو باشد (ر.ک: لانگاکر، ۲۰۰۸: ۵۶-۵۷؛ جانسون، ۱۹۸۷: ۵۱). در ارتباط با مفهوم‌سازی شیطان، طرح‌واره نیروی فشار در قالب دو فعل امر «أُخْرِجْ» و «إِهْبِطْ» به عنوان نیرویی که جسمی را به سمت یک کنش پیش می‌راند، دیده می‌شود، به عنوان نمونه در مثال‌های ۱ و ۲ تنزل درجه ابلیس به دنبال نافرمانی خدا بر مبنای استعاره‌های [مقام مکان است] و [از دست دادن مقام خروج از مکان است] (مثال ۱) و [مقام برتر مکان بالاتر است] (مثال ۲) به صورت اخراج از مکان مشخص تحت تاثیر نیروی خدا و حرکت از بالا به پایین مفهوم‌سازی شده است.

۱. ﴿قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا﴾ (حجر: ۳۴): گفت از این [جایگاه والا که مقام مقربان است] بیرون رو (انصاریان).

۲. ﴿قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا﴾ (اعراف: ۱۳): خدا فرمود از این جایگاه و منزلت ... فرود آی (انصاریان).

«لعن» و «قذف» از دیگر مفاهیمی هستند که شیطان را به صورت موجودی تحت تاثیر نیروی فشاری از ناحیه خدا و کارگزاران الهی مفهوم‌سازی کرده‌اند.

۳. ﴿لَعْنَةُ اللَّهِ﴾ (نساء: ۱۱۸): خدا شیطان را از رحمتش دور کرد (انصاریان).

۴. ﴿يُقَذِّفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ دُحُورًا... فَاتَّبَعَهُ شَيْهَابٌ تَأْقِبُ﴾ (صافات: ۸-۱۰): از هر سو [شهاب] به سویشان پرتاب می‌شود، تا با خفت و خواری رانده شوند، ... گلوله‌ای آتشین و شکافنده او را دنبال می‌کند (انصاریان).

بررسی لغوی دو ماده مذکور نشان می‌دهد این دو ماده در معنای دور کردن مشترک می‌باشند، با این تفاوت که در لعن دور کردن از طریق شتم و نفرین (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ۱۴۱؛ Jastrow, 1903: v 2, 714) و در قذف دور کردن از طریق پرتاب تیر برجسته‌تر است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ۱۳۵؛ ابن‌درید، ۱۹۸۸، ج ۲، ۶۹۹؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۴، ۱۴۱۴).

در اینجا طرح‌واره نیروی فشار در مفهوم‌سازی تنزل درجه شدید شیطان بر مبنای استعاره [مقام برتر مکان نزدیک‌تر به خدا است] وجود دارد؛ به این ترتیب که شیطان به صورت موجودی که تحت تاثیر نیروی خدا (مثال ۳) یا نیروی ملائکه (مثال ۴) بر مبنای استعاره مذکور، از خدا دور می‌شود، مفهوم‌سازی شده است. هم‌چنین شیطان به صورت موجودی که تحت تاثیر نیروی خدا بر کافران فروفرستاده و در نهایت به سمت جهنم آورده می‌شود، به تصویر کشیده شده است (ر.ک: مریم: ۸۳ و ۶۸).

در تمامی موارد مذکور مانعی در برابر نیروی خدا وجود ندارد یا نیروی متقابل از جانب شیطان وارد نمی‌شود؛ به این ترتیب با تکیه بر درک انسان نسبت به مفهوم نیروی فیزیکی، شیطان به صورت موجودی فاقد قدرت و تحت تصرف خداوند مفهوم‌سازی شده است.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، طرح‌واره نیروی فشار در مفهوم‌سازی شیطان به صورت نیرویی مؤثر بر فرد/جامعه نیز دیده می‌شود. در داستان اولین رویارویی ابلیس با آدم (ع) و حوا، شیطان به صورت نیرویی که باعث خروج آن‌ها از یک مکان می‌باشد، مفهوم‌سازی شده است (مثال ۵؛ هم‌چنین ر.ک: اعراف: ۲۷؛ طه: ۱۱۷)

۵. ﴿فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ﴾ (بقره: ۳۶): آنان را از آن مقام بیرون آورد (الهی قمشه‌ای).

هم‌چنین در موارد متعددی (۱۲ مورد) شیطان در قالب طرح‌واره نیروی فشاری، به صورت نیروی بر هم زننده تعادل فرد/جامعه مفهوم‌سازی شده؛ به گونه‌ای که در مجموعه‌ای از کنش‌هایی که موجب برهم خوردن تعادل فرد/جامعه دینی در ابعاد مختلف مربوط به

رابطه انسان با خدا (مثال ۶)، روابط خانوادگی (مثال ۷)، روابط اجتماعی افراد با یکدیگر (مثال ۸)، روابط اقتصادی (مثال ۹) و ... می‌باشد، شیطان به صورت نیروی برهم زننده تعادل مفهوم‌سازی شده است.

۶. ﴿يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ﴾ (اعراف: ۲۷): مبدا شیطان شما را بفریب از ره حق بلغزاند (فارسی).

۷. ﴿نَزَعَ الشَّيْطَانُ بُنْيَنِي وَيِّنَ إِخْوَتِي﴾ (یوسف: ۱۰۰): شیطان میان من و برادرانم فتنه انداخت (انصاریان).

۸. ﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ﴾ (اسراء: ۵۳): شیطان در میان آنها به فتنه‌گری است (آیتی).

۹. ﴿إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ﴾ (مائده: ۹۰): شراب و قمار و بت‌ها و چوب‌های شرط‌بندی فقط پلیدند و از کار شیطانند (رضایی).

در «مثال ۶»، شیطان عامل ایجاد فتنه معرفی شده است. لغت‌شناسان کلاسیک معانی مختلفی هم‌چون آزمایش کردن، عذاب کردن، منحرف کردن، جنون و اختلاف افکنی بین مردم را برای این ماده ذکر کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۸، ۱۲۷؛ شیبانی، ۱۹۷۵: ج ۳: ۲۴؛ ابن‌درید، ۱۹۸۸: ج ۱: ۴۰۶؛ صاحب، ۱۴۱۴: ج ۹، ۴۴۵؛ جوهری، ۱۳۷۶: ج ۶، ۲۱۷۵؛ ابن‌فارس: ۱۴۰۴، ج ۴، ۴۷۲؛ راغب، ۱۴۱۲: ۶۲۳-۶۲۴؛ زمخشری، ۱۹۷۹: ۴۶۳). مصطفوی اصل مشترک در این ماده را آن‌چیزی می‌داند که موجب اختلال و اضطراب می‌شود (مصطفوی، ۱۴۳۰: ج ۹، ۲۳). در منابع ریشه‌شناسی نیز معنای تکان دادن و آشوب ایجاد کردن در معنای سریانی این ماده برگرفته از زبان عربی (Zammit, 2002: 316; Brun, 1895: 170; Leslau, 1991: 540) و در زبان مندایی دیده می‌شود (Macuch, 1963: 372 & 385). در قرآن فتنه شیطان در تقابل معنایی با ایمان و آرامش قلبی آمده است (مثال‌های ۱۰ و ۱۱)؛ از این رو در مجموع می‌توان گفت فتنه شیطان به عنوان مفهومی انتزاعی با کمک مفاهیمی چون تکان دادن و ایجاد اضطراب در تقابل با ثبات و آرامش مفهوم‌سازی شده و شیطان نیروی پیش‌ران در ایجاد این عدم ثبات است.

۱۰. ﴿لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِّلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ﴾ (حج: ۵۳): تا بگرداند آنچه را

می‌اندازد شیطان بلا از برای آنان که در دلهایشان مرض است (شعرانی).

۱۱. ﴿فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ﴾ (حج: ۵۴): بدان ایمان بیاورند و دلهایشان بدان آرام

گیرد (آیتی).

«خبت» در لغت به معنای زمین آرام و گسترده، «اخبات» به معنای آرامش و سکون یافتن و «مُخبت» به معنای کسی که ایمانش به او آرامش وطمأنینه داده، آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۲۴۱؛ ازهری، ۱۴۲۱: ج ۷، ۱۳۶؛ عسکری، ۱۴۰۰: ج ۱، ۲۴۵). طباطبائی اخبات را به معنای طمأنینه به گونه‌ای که ایمان این افراد هم‌چون زمینی استوار دچار تزلزل نمی‌شود، می‌داند (طباطبائی، ۱۴۱۷: ج ۱۰، ۱۹۳). از این رو می‌توان گفت در مثال مذکور شیطان به عنوان مفهومی انتزاعی و خارج از محدوده ادراک حسی بشر به صورت نیرویی که با ایجاد تزلزل در قلب، فرد را به نافرمانی از خدا سوق می‌دهد، مفهوم‌سازی شده است.

هم‌چنین شیطان کنشگر مفاهیمی هم‌چون «نزغ» و «رجس» معرفی شده است؛ به این ترتیب که شیطان به صورت نیرویی که با اخلاف افکنی بین افراد یک خانواده یا افراد جامعه دینی موجب برهم خوردن تعادل جامعه می‌شود (مثال‌های ۷ و ۸) و همین‌طور نیرویی که با ترویج شراب و قمار در جامعه موجب برهم خوردن تعادل اقتصادی جامعه می‌گردد (مثال ۹)، مفهوم‌سازی شده است.

شیطان هم‌چنین بر مبنای طرح‌واره نیروی فشاری به صورت نیرویی که انسان را از بالا به پایین پرتاب می‌کند، مفهوم‌سازی شده است (مثال ۱۲؛ هم‌چنین ر.ک: اعراف: ۲۲). در این مورد نیرو علاوه بر فشاری بودن، جهت‌مند و جهت‌بردار نیرو از بالا به پایین است. مولفه‌های آغاز حرکت و مسیر نیز که از خصوصیات نیروی فشاری است در آن‌ها دیده می‌شود.

۱۲. ﴿كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ﴾ (انعام: ۷۱) مثل کسی باشیم که او را پرتاب کرده باشند شیاطین (یاسری).

ماده «هوی» در لغت به معنای سقوط از بالا به پایین و استهواء به معنای پرتاب کردن از بالا به پایین آمده است (ازهری، ۱۴۲۱: ج ۶، ۲۵۸؛ مصطفوی، ۱۴۳۰: ج ۱۱، ۳۲۷). برخی مفسران و مترجمان قرآن در تفسیر و ترجمه این آیه معانی دیگری هم‌چون به گمراهی کشاندن، فریب دادن و دعوت به تبعیت از هوی را ذکر کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۴، ۴۹۳؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۲، ۴۳۱، آیتی، ۱۳۷۴: ج ۱، ۱۳۶) ولی بررسی ریشه‌شناسی این ماده نشان می‌دهد که ماده مذکور در زبان آفروآسیایی (زبان جده نسبت به زبان عربی) و در زبان سامی (مادر زبان عربی) نیز در معنای سقوط و پرتاب از بالا به پایین بوده است (Orel &

Stolbova, 1995: 259). از این رو به نظر می‌رسد معانی مذکور معنای مجازی استهواء و مفهوم برگرفته از سیاق است.

۲.۳ تغییر مسیر

طرح‌واره نیروی تغییر مسیر بر مبنای تجربه حسی- حرکتی انسان از تعامل با محیط به صورت نیرویی که بر جسم در حال حرکت وارد می‌شود و موجب تغییر مسیر آن می‌گردد، ادراک می‌شود؛ هم‌چون قایقی که در مسیر مستقیم در حال حرکت است و بر اثر نیروی باد از مسیر خود منحرف می‌گردد. شکل ۲ نموداری از دو نیروی موثر بر یک جسم و تغییرات بردار نیرو را نشان می‌دهد. (جانسون، ۱۳۹۸: ۴).



شکل ۲- طرح‌واره نیروی تغییر مسیر

این طرح‌واره در قرآن کریم در مفهوم‌سازی شیطان نیز دیده می‌شود؛ به این ترتیب که شیطان به صورت نیرویی که انسان را از مسیر صحیح - که همان مسیر هدایت الهی است- منحرف می‌کند، مفهوم‌سازی شده است. این طرح‌واره ۸ مرتبه در قرآن و با واژه‌های «اضلال»، «اغواء» و «هدایت به سمت عذاب» بیان شده است (به عنوان نمونه رک: مثال ۱۳ و ۱۴).

۱۳. ﴿فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ وَ يَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ﴾ (حج: ۴): بی‌شک او را (از راه‌های سعادت) گمراه می‌کند و به سوی عذاب آتش شعله‌ور راه می‌نماید (مشکینی).

۱۴. ﴿لَا تُؤْمِنُ بِهِمْ أَجْمَعِينَ﴾ (حجر: ۳۹): همگان را از راه به در خواهم برد (گرمارودی).

اضلال در لغت به معنای گم کردن، منحرف کردن از مسیر، راه راست و هدف، پنهان کردن و باطل کردن آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۷، ۸-۹؛ ازهری، ۱۴۲۱: ج ۱۱، ۳۱۸؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۳، ۳۵۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۱، ۳۹۰-۳۹۳؛ مصطفوی، ۱۴۳۰: ج ۷، ۴۰). بررسی کاربردهای قرآنی این مفهوم نشان می‌دهد که اضلال در نظام معنایی قرآن وابسته به مفهوم «سبیل» است (به عنوان نمونه: مثال ۱۵)؛ به گونه‌ای که اضلال به صورت خارج کردن

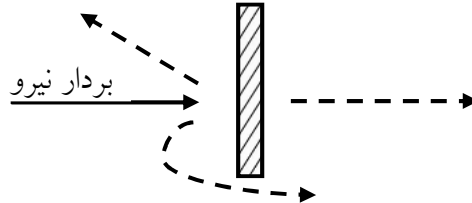
از مسیری که منتهی به خدا می‌شود، مفهوم‌سازی شده است؛ این مفهوم‌سازی مبتنی بر استعاره [بندگی خدا، قرار داشتن در یک مسیر است] می‌باشد. در این میان نقش شیطان به عنوان کنشگر اضلال، به صورت نیرویی مفهوم‌سازی شده است که بر شخص متحرک در مسیر هدایت الهی وارد می‌شود و او را از مسیر منحرف می‌کند.

۱۵. ﴿وَإِنْ تُطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾ (انعام: ۱۱۶): و اگر از بیشتر مردم این سرزمین اطاعت کنی، تو را از راه خدا منحرف سازند (طاهری).

همان‌طور که گفته شد، مفهوم اغواء نیز در مفهوم‌سازی شیطان به صورت نیرویی که موجب تغییر مسیر انسان می‌گردد، نقش ایفا کرده است (مثال ۱۴). بررسی مفهوم «اغواء» در عربی و دیگر زبان‌های سامی نشان می‌دهد در این ماده دو مؤلفه معنایی وجود دارد: ۱- خم کردن و منحرف کردن از مسیر (مشکور، بی‌تا: ج ۲، ۶۱۵؛ Zammit, 2002: 312; Gesenius, 1939: 730; Jastrow, 1903: 1049; Leslau, 1991: 77 ناآگاهی (راغب، ۱۴۱۲: ۶۵۰؛ Dillmann, 1865: 1008; Zammit, 2002: 312; Jastrow, 1903: 1049). تفاوت «ضلالت» و «غی» در این است که در «غی» علاوه بر انحراف از مسیر، تأکید بر ناشناخته بودن هدف نیز وجود دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ج ۱۲، ۱۶۳). به این ترتیب کنش شیطان در گمراه کردن انسان به عنوان یک مفهوم انتزاعی- به کمک مفاهیمی هم‌چون اغواء و اضلال بر مبنای تجربه حسی-حرکتی انسان، به صورت تأثیر یک نیرو بر انسان متحرک در یک مسیر که منجر به انحراف وی از مسیر می‌شود، مفهوم‌سازی شده است.

۳.۳ انسداد

تجربه نیروی انسداد شامل الگویی است که بارها در تعامل حسی-حرکتی انسان با محیط پیرامون تکرار می‌شود. انسان در تلاش برای برهم‌کنش با اجسام و اشخاص پیرامون خود با موانعی برخورد می‌کند؛ به عنوان مثال در مسیر حرکت خود به دیواری برخورد می‌کند که مانع ادامه مسیر است، در اینصورت یا باید توقف کند یا تغییر مسیر دهد یا از روی مانع یا از داخل آن عبور کند. شکل ۳ الگوی طرح‌واره نیروی انسداد را نشان می‌دهد (جانسون، ۱۳۹۸: ۱۰۷).



شکل ۳ - طرح‌واره نیروی انسداد

طرح‌واره نیروی انسداد در مفهوم‌سازی شیطان از تنوع و بسامد تکرار بالایی برخوردار است. این طرح‌واره در مفهوم‌سازی شیطان از جنبه‌های گوناگونی دیده می‌شود: ۱- شیطان به عنوان مانعی در برابر حرکت انسان در مسیر صحیح (۵ مورد) ۲- وجود مانع در برابر اعمال شیطان به گونه‌ای که نیروی او بی‌اثر می‌شود (۹ مورد) ۳- وجود مانع در برابر خود شیطان (۳ مورد).

همان‌طور که در بخش قبل بیان شد، پذیرش هدایت الهی توسط انسان در قرآن بر مبنای استعاره [بندگی خدا، قرار داشتن در یک مسیر است] مفهوم‌سازی و نقش شیطان در این میان علاوه بر نیرویی که انسان را از مسیر منحرف می‌کند، به صورت مانعی در برابر حرکت انسان بیان شده است. قرآن این مفهوم را با واژه «صد» بیان کرده است (مثال ۱۶).

۱۶. ﴿وَلَا يَصُدُّكُمْ الشَّيْطَانُ﴾ (زخرف: ۶۲): شیطان شما را (از راه خدا) باز ندارد (مکارم).

بررسی ماده «صد» در عربی و دیگر زبان‌های سامی نشان می‌دهد، این ماده به معنای در برابر چیزی قرار گرفتن، ایجاد مانع و منحرف کردن است (راغب، ۱۴۱۲: ۴۷۷؛ مشکور، بی‌تا: ج ۱، ۴۷۸؛ Gesenius, 1939: 841). بنابراین «صد» به معنای ایجاد مانع در مسیر است به گونه‌ای که متحرک را وادار به انحراف از آن می‌کند. بر همین اساس شیطان به صورت مانعی در مسیر حرکت انسان مفهوم‌سازی شده است. از آنجا که معنای منحرف کردن در ماده «صد» وجود دارد، می‌توان گفت در موارد مذکور ایجاد مانع توسط شیطان منجر به انحراف انسان از مسیر بندگی خدا است.

هم‌چنین در مفهوم‌سازی شیطان و تأثیر او بر انسان، طرح‌واره نیروی انسداد به صورت مانعی در برابر تاثیر نیروی شیطان بر انسان دیده می‌شود؛ به گونه‌ای که اخلاص (مثال ۱۷)، تقوا و تذکر (مثال ۱۸)، ایمان و توکل (مثال ۱۹)، فضل و رحمت خدا (نساء: ۸۳)، بندگی

خدا (اسراء: ۶۵) و پناه بردن به خدا (اعراف: ۲۰۰) به صورت موانعی که تاثیر نیروی شیطان را بر انسان خنثی می‌کنند، مفهوم‌سازی شده‌اند. در ادامه به عنوان نمونه برخی از این موارد به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱۷. ﴿وَلَا تُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ * إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ﴾ (حجر: ۳۹-۴۰؛ ص: ۸۲-۸۳). و همگی را گمراه خواهم ساخت، مگر بندگان مخلصت را (مکارم).

۱۸. ﴿إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ﴾ (اعراف: ۲۰۱): کسانی که تقوا ورزیده‌اند، هرگاه وسوسه‌هایی از سوی شیطان به آنان رسد خدا و قیامت را یاد کنند، پس بی‌درنگ بینا شوند (انصاریان).

۱۹. ﴿لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ (نحل: ۹۹): او بر کسانی که ایمان آورده‌اند و همواره بر پروردگارشان توکل می‌کنند، تسلطی ندارد (انصاریان).

همان‌طور که در بخش قبل گفته شد، عملکرد شیطان در گمراه کردن انسان به صورت نیرویی که شیطان به انسان وارد و او را از مسیر صحیح منحرف می‌کند و بر مبنای طرح‌واره نیروی تغییر مسیر ادراک می‌شود، مفهوم‌سازی شده است. بر مبنای «مثال ۱۷» اخلاص هم‌چون مانعی در برابر این نیرو عمل می‌کند؛ به گونه‌ای که تأثیر نیروی شیطان را خنثی می‌نماید.

در «مثال ۱۸» تأثیر شیطان در گمراهی انسان بر مبنای طرح‌واره نیروی جذب - که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت - مفهوم‌سازی شده است؛ به گونه‌ای که تقوا و تذکر مانع از اثرگذاری این نیروها می‌گردد و فقدان این موانع منجر به کشیده شدن در غوایت توسط شیطان خواهد شد (ر.ک: مثال ۲۷). هم‌چنین ایمان و توکل به صورت مانعی در برابر نیروی شیطان که به صورت مسلط از بالا بر انسان وارد می‌شود، عمل می‌کند (مثال ۱۹). طرح‌واره نیروی مسلط از بالا نیز در ادامه مورد بررسی بیشتر قرار خواهد گرفت.

طرح‌واره نیروی انسداد از منظری دیگر نیز در مفهوم‌سازی شیطان دیده می‌شود: (مثال‌های ۲۰ و ۲۱).

۲۰. ﴿وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَىٰ يَوْمِ الدِّينِ﴾ (حجر: ۳۵): لعنت (و دوری از رحمت حق) تا روز قیامت بر تو خواهد بود (مکارم).

۲۱. ﴿إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمْعَرُولُونَ﴾ (شعراء: ۲۱۲): شیاطین را از شنیدن وحی معزول داشته‌اند (آیتی).

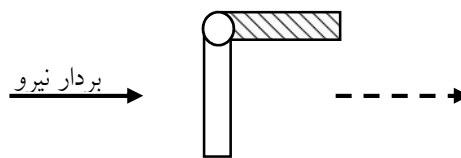
تحلیل تاثیر طرحواره نیرو در مفهوم‌سازی شیطان ... (فاطمه آبادی و دیگران) ۱۰۳

همان‌طور که ذکر شد، اینکه شیطان جایگاه خود را به دنبال نافرمانی خدا از دست داد، بر مبنای استعاره [مقام برتر مکان نزدیک‌تر به خدا است] با تکیه بر تجربه حسی-حرکتی انسان از تعامل با محیط، به صورت دور شدن از خدا مفهوم‌سازی شده است. در «مثال ۲۰» این مفهوم‌سازی با تکیه بر درک انسان از طرح‌واره نیروی انسداد تکمیل شده است؛ به گونه‌ای که نه تنها شیطان از خدا دور شده است، بلکه این لعن تا روز قیامت مانع از نزدیک شدن دوباره شیطان به خدا خواهد بود.

در «مثال ۲۱» شیاطین از شنیدن سخنان عالم بالا برکنار و ممنوع نگه داشته شده‌اند. عزل در لغت به معنای دور کردن، برکنار کردن و کنار گذاشتن آمده است (فراهیدی، ۱۴۱۴: ج ۱، ۳۵۳؛ صاحب، ۱۴۱۴: ج ۱، ۳۸۷) و در آیه مذکور این عدم توانایی در دسترسی به اخبار غیب بر مبنای طرح‌واره انسداد به صورت وجود مانعی در برابر شنیدن و دسترسی به غیب مفهوم‌سازی شده است.

۴.۳ حذف مانع

حذف مانع یا نبود نیروی احتمالی، ساختاری از تجربه است که انسان در تعامل با محیط پیرامون خود همواره با آن مواجه است. به عنوان مثال هنگامی که در باز است، می‌توان به راحتی وارد اتاق شد. این طرح‌واره یک مسیر باز را نشان می‌دهد که در آن مانعی برای اعمال نیرو وجود ندارد. این طرح‌واره می‌تواند حالت خاصی از طرح‌واره انسداد در نظر گرفته شود؛ به گونه‌ای که به دلیل حذف یک مانع توسط نیرویی دیگر یا نبود یک مانع، نیرو می‌تواند اعمال شود. شکل ۴ نمودار طرح‌واره حذف مانع را نشان می‌دهد (جانسون، ۱۳۹۸: ۱۰۸-۱۰۹).



شکل ۴- طرح‌واره حذف مانع

در قرآن کریم طرح‌واره حذف مانع در مفهوم‌سازی شیطان در «مثال ۲۲» دیده می‌شود:

۲۲. ﴿قَالَ أَذْهَبُ...﴾ وَأَسْتَفِرُّ مَنِ اسْتَطَعْتُ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبُ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدَّهُمْ ﴿اسراء: ۶۳-۶۴﴾: فرمود برو ... هر کدام از آنها را می‌توانی با صدایت تحریک کن و لشکر سواره و پیاده‌ات را بر آنها گسیل دار و در ثروت و فرزندان‌شان شرکت جوی و آنان را با وعده‌ها سرگرم کن (مکارم).

شیطان پس از طرد شدن از مقام ملائکه تهدید می‌کند تمامی ذریه آدم (ع) را به گمراهی بکشاند، خداوند در جواب به او می‌فرماید: برو و از ابزارهای مختلف برای گمراه کردن انسان‌ها استفاده کن (ر.ک: اسراء: ۶۲-۶۴). مفسران معتقدند این امر حقیقی نیست بلکه منظور از آن آزاد گذاشتن شیطان در انجام این کار است. مفسران به این نکته نیز اشاره کرده‌اند که پاسخ خداوند به شیطان هم‌چنین با خوار و خفیف شمردن او همراه است (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۲، ۶۷۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۶، ۶۵۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۲۱، ۳۶۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۸، ۱۰۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۳، ۱۴۵).

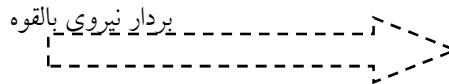
همان‌طور که مفسران نیز اشاره کرده‌اند، الگوی مفهوم‌سازی مذکور که بر مبنای تجربیات جسمانی ما از حذف مانع در برابر اعمال نیروی فیزیکی ادراک می‌شود، با تحقیر نیروی شیطان همراه است؛ به این معنا که گویی تلاش‌های مؤکد شیطان در گمراه کردن انسان‌ها که با افعالی هم‌چون لَأَقْعُدَنَّ (اعراف: ۱۶)، لَأُضِلَّنَّهُمْ، لَأُمَنِّيَنَّهُمْ، لَأَمْرَنَّهُمْ (نساء: ۱۱۹)، لَأَخْتَبِكَنَّ (اسراء: ۶۲)، لَأَغْوِيَنَّهُمْ (حجر: ۳۹) و ... بیان شده است، اثر مهمی نخواهد داشت. در تمامی افعال مذکور طرح‌واره نیرو در مقوله‌ای دستوری نمود پیدا کرده است. لام تأکید و نون تأکید ثقیله در افعال مذکور نشان دهنده نیروی شدید کنش گفتار (Speech act) در کلام شیطان است (برای مطالعه بیشتر ر.ک: Johnson, 1987: 48-61) ولی در مقابل خداوند با حذف مانع در برابر این نیرو که به زعم شیطان نیرویی قدرتمند است، آن را حقیر و بی‌اثر جلوه می‌دهد.

۵.۳ توانایی

انسان در نتیجه تعامل با محیط پیرامون، نسبت به توانایی یا عدم توانایی بر انجام یک کنش آگاهی دارد؛ به عنوان نمونه احساس می‌کند، توانایی بلند کردن یک کتاب را دارد ولی نمی‌تواند ماشین خود را بلند کند. در حالی که ممکن است هیچ بردار نیروی واقعی‌ای وجود نداشته باشد. بنابراین این طرح‌واره با بردار نیروی بالقوه به صورت وجود (یا عدم

تحلیل تاثیر طرحواره نیرو در مفهوم‌سازی شیطان ... (فاطمه آبادی و دیگران) ۱۰۵

وجود) نیروی کافی و نبود مانع یا نیروی متقابل بازنمایی می‌شود. شکل ۵ نمودار طرح‌واره نیروی توانایی را نشان می‌دهد (ر.ک: جانسون، ۱۳۹۸: ۱۰۹). با توجه به تعریف ارائه شده، می‌توان گفت که طرح‌واره توانایی با طرح‌واره‌های انسداد و حذف مانع مرتبط است.



شکل ۵- طرح‌واره نیروی توانایی

این طرح‌واره در مفهوم‌سازی شیطان در قرآن به صورت عدم توانایی به دلیل ناکافی بودن نیروها (مثال‌های ۲۳ و ۲۵) و عدم توانایی به دلیل وجود مانع (مثال ۲۴) دیده می‌شود؛ به گونه‌ای که خداوند اجازه نمی‌دهد نیروی شیطان بر مؤمنان اثر کند.

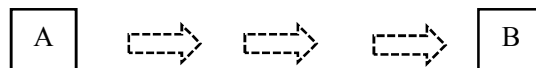
۲۳. ﴿إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا﴾ (نساء: ۷۶): نقشه شیطان، (همانند قدرت‌ش) ضعیف است (مکارم).

۲۴. ﴿وَمَا تَنْزَلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ * وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ﴾ (شعراء: ۲۱۰-۲۱۱): این قرآن را شیاطین فرود نیاورده‌اند. نه در خور این کارند و نه توانش را دارند (طاهری).

۲۵. ﴿وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ﴾ (مجادله: ۱۰): نمی‌تواند هیچ‌گونه ضرری به آن‌ها برساند، جز به فرمان خدا (مکارم).

۶.۳ جذب

یک ساختار طرح‌واره‌ای رایج وجود دارد که میان تجربه انسان از پایین کشیده شدن به سمت زمین بر اثر نیروی جاذبه، جذب براده‌های آهن توسط آهن‌ریا و ... مشترک است. وقتی فردی احساس می‌کند دیگری را به سوی خود جذب می‌کند نیز همین ساختار وجود دارد گرچه نیرو به معنای فیزیکی آن اعمال نشده است بلکه نوعی گرایش به سمت جسم دیگر وجود دارد. شکل ۶ نمودار طرح‌واره جذب را نشان می‌دهد (ر.ک: جانسون، ۱۳۹۸: ۱۰۹-۱۱۰).



شکل ۶ - طرح‌واره نیروی جذب

طرح‌واره نیروی جذب در مفهوم‌سازی شیطان با سه مفهوم گرایش پیدا کردن دل‌های کافران به سمت کلام شیطان (مثال ۲۶)، به گمراهی کشاندن توسط شیاطین (مثال ۲۷) و دعوت (مثال ۲۸؛ هم‌چنین ر.ک: فاطر: ۶؛ ابراهیم: ۲۲) در قرآن دیده می‌شود.

۲۶. ﴿وَلِتَصْغَىٰ إِلَيْهِ أَفْئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ﴾ (انعام: ۱۱۳): نتیجه (وسوسه‌های شیطان و تبلیغات شیطان‌صفتان) این خواهد شد که دل‌های منکران قیامت، به آن‌ها متمایل گردد (مکارم).

۲۷. ﴿وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّوهُمْ فِي الْغَيِّ﴾ (اعراف: ۲۰۲): برادرانشان (شیاطین) همواره آنان را به گمراهی می‌کشند (مشکینی).

۲۸. ﴿الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ﴾ (لقمان: ۲۱): شیطان آنان را دعوت به عذاب آتش فروزان کند (مکارم).

در مثال‌های ۲۶ و ۲۷ دو مفهوم انتزاعی گرایش پیدا کردن به سمت عقیده و تفکری که شیاطین ارائه می‌دهند و گمراه کردن بر پایه تجربه انسان از مفهوم نیروی جذب که ناشی از تعامل حسی‌حرکتی با محیط پیرامون می‌باشد، مفهوم‌سازی شده است. هم‌چنین در «مثال ۲۸» دعوت و فراخواندن به پیروی از نیاکان گمراه که نتیجه آن گرفتار شدن در آتش است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۸: ج ۸، ۵۵۷) اما نیروی فیزیکی در آن وجود ندارد، به عنوان یک مفهوم انتزاعی بر مبنای طرح‌واره جذب مفهوم‌سازی شده است. توجه به این نکته لازم است که بر مبنای مثال‌های مذکور این نیرو تنها بر کسانی که با سوء اختیار خود هدایت الهی را نپذیرفته‌اند، مؤثر است.

۷.۳ نیروی متقابل

طرح‌واره نیروی متقابل در تجربه انسان از تعامل با محیط به صورت برخورد دو نیروی سر-به-سر، همانند آنچه در تصادف اتومبیل رخ می‌دهد، درک می‌شود. شکل ۷ نمودار طرح‌واره نیروی متقابل را نشان می‌دهد (جانسون، ۱۳۹۸: ۱۰۷). این طرح‌واره در مفهوم‌سازی کنش شیطان در مقابله و دشمنی با اهداف انبیاء الهی، جامعه دینی و افراد دیده می‌شود.

شیطان بر مبنای طرح‌واره نیروی مسلط از بالا، از دو جنبه مفهوم‌سازی شده است: ۱- شیطان به عنوان منبع این نیرو (به عنوان نمونه: مثال‌های ۳۱ و ۳۲). ۲- شیطان به عنوان موجودی تحت تأثیر این نیرو (مثال ۳۳).

۳۱. ﴿إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ * إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ﴾ (نحل: ۹۹-۱۰۰). او، بر کسانی که ایمان دارند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند، تسلطی ندارد. تسلط او تنها بر کسانی است که او را به سرپرستی خود برگزیده‌اند، و آن‌ها که نسبت به او شرک می‌ورزند (مکارم).

۳۲. ﴿اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ﴾ (مجادله: ۱۹): شیطان بر آنان مسلط شده است (مکارم).

مفهوم‌سازی شیطان به عنوان منبع نیروی مسلط از بالا با دو واژه «سلطان» و «استحوذ» انجام شده است. بررسی واژه سلطان در عربی و دیگر زبان‌های سامی نشان می‌دهد که این ماده به معنای قدرت، استیلاء، غلبه و فرمان‌روایی است (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۷، ۲۱۳؛ صاحب، ۱۴۱۴: ج ۸، ۲۶۸؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۳، ۹۵؛ راغب، ۱۴۱۲: ۴۲۰، مشکور، بی‌تا: ج ۱، ۳۹۹؛ کمال‌الدین، ۲۰۰۸: ۲۲۴-۲۲۵؛ Jeffery, 2007: 176). استحوذ از ماده «حوذ» به معنای احاطه، غلبه و استیلاء می‌باشد (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۲۸۴؛ راغب، ۱۴۱۲: ۲۶۲). در قرآن کریم هر دو واژه مذکور با حرف «علی» به کار رفته‌اند. باهم آبی حرف «علی» به عنوان حرف استعلاء در معنای بر و روی (ابن سیده، ۱۴۱۲: ج ۲، ۲۴۳) با اسحواذ و سلطان نشان می‌دهد که این نیروی احاطه‌کننده، در برگرفته و غالب جهت‌مند نیز می‌باشد و از بالا اعمال می‌شود. با وجود اینکه در اغلب موارد خداوند اصل وجود نیروی مسلط از بالا را برای شیطان نفی می‌کند (ر.ک: حجر: ۴۲)، ناتوانی شیطان در تأثیر بر انسان در شرایط مذکور بر مبنای این نوع از طرح‌واره نیروی مفهوم‌سازی شده است.

شیطان هم‌چنین به صورت موجودی تحت تأثیر نیروی مسلط از بالا که از ناحیه خدا یا انبیاء الهی اعمال می‌شود، مفهوم‌سازی شده است:

۳۳. ﴿وَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ... وَالشَّيَاطِينَ...﴾ (ص: ۲۶-۲۷): پس ما باد را مسخر او کردیم،

... و نیز شیطان‌ها را (مشکینی).

۳۴. ﴿إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ (اعراف: ۲۷): ما شیطان‌ها را سرپرستان

کسانی قرار داده‌ایم که ایمان ندارند (مشکینی).

این نوع از مفهوم‌سازی بر مبنای طرحواره نیرو نیز این تصویر را به روشنی در ذهن ایجاد می‌کند که شیطان قدرتی در برابر خدا نیست، بلکه تحت تسلط و متأثر از نیروی خدا و کارگزاران الهی است. نمودار ۱ بسامد تکرار انواع مختلف طرحواره نیرو در مفهوم‌سازی شیطان را نشان می‌دهد.



نمودار ۱- بسامد تکرار انواع مختلف طرحواره نیرو در مفهوم‌سازی شیطان

۴. نتیجه گیری

در قرآن کریم به عنوان متنی زبانی که برای نوع بشر نازل شده است، در مفهوم‌سازی شیطان، کنش‌های او و تأثیر او در نظام هدایت-اضلال، به عنوان مفاهیمی انتزاعی و خارج از محدوده ادراک حسی بشر، انواع مختلف طرحواره نیرو دیده می‌شود. به این ترتیب انسان می‌تواند با تکیه بر تجربیات جسمانی خود از تعامل با محیط به درک روشنی از مفهوم شیطان و پیامدهای تبعیت از او دست یابد. آنچه در حوزه انواع مختلف طرحواره نیرو مشاهده می‌شود، این است که همه انواع طرح‌واره نیرو حتی طرح‌واره‌هایی هم‌چون جذب و عدم توانایی که کمتر در زبان‌ها نمود پیدا می‌کنند، با بسامد قابل توجهی در مفهوم‌سازی شیطان حضور دارند، که نشان دهنده غنای زبانی قرآن کریم است.

بر مبنای طرح‌واره نیروی فشاری، شیطان به صورت موجودی تحت تاثیر نیروی خداوند مفهوم‌سازی شده است؛ عدم وجود نیروی متقابل یا مانع در برابر اعمال نیرو از جانب خدا، شیطان را به صورت موجودی فاقد قدرت مستقل در برابر خدا مفهوم‌سازی می‌کند. از منظری دیگر و با تکیه بر تجربه جسمانی انسان از عدم تعادل به عنوان وضعیتی نامطلوب، شیطان به صورت نیرویی که تعادل فرد و جامعه را در عرصه‌های مختلف هم‌چون روابط اجتماعی، روابط خانوادگی و مناسبات اقتصادی برهم می‌زند، مفهوم‌سازی شده است.

طرح‌واره نیروی تغییر مسیر، نقش شیطان در نظام هدایت‌اضلال را به روشنی تبیین می‌کند. بر مبنای این طرح‌واره و با استفاده از مفاهیمی هم‌چون اضلال و غوایه، شیطان به صورت نیرویی که انسان را از مسیر بندگی خدا منحرف می‌کند، مفهوم‌سازی شده است. این مفهوم‌سازی بر مبنای تجربه فیزیکی انسان از حرکت در مسیر و پیامدهای نامطلوب انحراف از مسیر صحیح هم‌چون گم شدن، به مقصد نرسیدن، از دست دادن زمان و ...، تصویر روشنی از تاثیر منفی شیطان و تبعیت از او در ذهن انسان ایجاد می‌کند.

طرح‌واره نیروی انسداد از چند منظر در مفهوم‌سازی شیطان مؤثر است. بر مبنای این طرح‌واره شیطان به صورت مانعی در برابر حرکت انسان در مسیر بندگی خدا مفهوم‌سازی شده است. از منظری دیگر مفاهیمی هم‌چون اخلاص، تقوا، تذکر، ایمان، توکل و رحمت الهی به صورت موانعی در برابر نیروی شیطان مفهوم‌سازی شده‌اند؛ موانعی که نیروی شیطان را بی‌اثر خواهند کرد. گونه‌ای دیگر از طرح‌واره نیروی انسداد در مفهوم‌سازی شیطان به صورت لعن خداوند به عنوان مانعی در برابر دستیابی شیطان به مقامی که از آن عزل شد و همچنین وجود مانع در برابر وی برای دستیابی به اخبار غیب دیده می‌شود؛ در اینجا نیز شیطان به صورت موجودی تحت تصرف خداوند و فاقد قدرت مستقل مفهوم‌سازی می‌شود.

طرح‌واره نیروی حذف مانع، تاثیر شیطان بر گمراه کردن انسان را بی‌اهمیت جلوه می‌دهد و این نکته که تسلط شیطان بر انسان نتیجه سوء اختیار وی است را با تکیه بر درک فیزیکی انسان از مفهوم نیرو به روشنی به تصویر می‌کشد.

طرح‌واره عدم توانایی، به صورت عدم توانایی به دلیل ناکافی بودن نیروها و عدم توانایی به دلیل وجود مانع دیده می‌شود و طرح‌واره نیروی جذب مفهوم انتزاعی گرایش

پیدا کردن به سوی تفکری که شیطان ارائه می‌دهد را به صورت نیرویی که دل‌های کافران را به سمت خود می‌کشد، مفهوم‌سازی کرده است.

طرح‌واره نیروی متقابل در مفهوم‌سازی دشمنی شیطان با انسان و تلاش وی در مقابله با اهداف انبیاء الهی و جامعه دینی دیده می‌شود؛ به گونه‌ای که تجربه نامطلوب انسان از وجود نیروی متقابل در تعامل فیزیکی با محیط که منجر به خستگی شدن نیروی مؤثر و ضربه خوردن و صدمه دیدن مانند آنچه در تصادف اتومبیل رخ می‌دهد می‌شود، تصویر روشنی از تأثیر نامطلوب شیطان بر جامعه/فرد در اذهان ایجاد می‌کند.

علاوه بر تمامی موارد فوق که توسط جانسون به عنوان انواع طرح‌واره نیرو معرفی شده و پس از وی در کتاب‌ها و مقالات متعدد مبنای مطالعات در حوزه طرح‌واره نیرو قرار گرفته است، قرآن کریم به عنوان متنی غنی، منسجم و چندلایه نوع دیگری از طرح‌واره نیرو را در مفهوم‌سازی شیطان به کار گرفته و به این ترتیب این نظریه را توسعه داده است. نیروی مسلط جهت‌مند از بالا نوعی از طرح‌واره نیرو است که جانسون به آن اشاره‌ای نکرده است ولی در مفهوم‌سازی شیطان در قرآن دیده می‌شود. بر مبنای این طرح‌واره شیطان از دو جنبه مفهوم‌سازی شده است. دو مفهوم «سلطه» و «استحواذ» در معنای قدرت، غلبه و استیلاء که با حرف «علی» نیز همراه شده‌اند، در اینجا دیده می‌شود؛ گرچه در اغلب موارد خداوند اصل وجود نیروی مسلط از بالا را برای شیطان نفی کرده ولی ناتوانی شیطان در تاثیر بر انسان بر مبنای این نوع از طرح‌واره نیرو مفهوم‌سازی شده است. از جنبه‌های دیگر شیطان به صورت موجودی که تحت تاثیر نیروی مسلط از بالا که از ناحیه خدا یا انبیاء الهی اعمال می‌شود، مفهوم‌سازی شده است.

دو طرح‌واره فشار و انسداد بالاترین بسامد تکرار را در مفهوم‌سازی شیطان دارند (نمودار ۱). بسامد تکرار بالا در این موارد از یک منظر به این دلیل است که این دو طرح‌واره شیطان را هم به عنوان موجودی که تحت تاثیر نیروی خداوند قرار دارد و هم به عنوان موجودی که به انسان نیرو وارد می‌کند، مفهوم‌سازی کرده‌اند. نیروی فشاری وارد شده بر شیطان از جانب خدا ناظر به اضلال کیفی خداوند و به دنبال نافرمانی شیطان می‌باشد. نیروی انسداد وارد شده بر شیطان از جانب خداوند و کارگزاران الهی نیز در چارچوب هدایت ثانویه الهی به معنای نیروی حمایتی خداوند در مقابل شیطان نسبت به کسانی که مسیر هدایت را انتخاب کرده‌اند، قابل تبیین است (برای اطلاع بیشتر در ارتباط با هدایت-

اضلال اولیه و ثانویه ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۲: ۵۱۸-۵۱۹). از منظری دیگر و با نگاه به تجربه فیزیکی انسان از تعامل با محیط، به نظر می‌رسد که نیروهایی از جنس فشار، انسداد و نیروی متقابل نقش پررنگ‌تری در تجربیات انسان از تعامل حسی-حرکتی با محیط پیرامون دارند و از این رو در زبان و در عرصه مفهوم‌سازی نیز در مقایسه با نیرویی هم‌چون حذف مانع که چون از جنس نیستی است کمتر ادراک می‌شود، نمود بیشتری می‌یابند.

یادآوری این نکته لازم است که در هیچ‌یک از موارد مذکور نیروی فیزیکی وجود ندارد بلکه تجربه انسان از تعامل با نیروهای فیزیکی مبنای مفهوم‌سازی در این مفاهیم کاملاً انتزاعی قرار گرفته است. با استناد به آیات قرآن شیطان با زیبا جلوه دادن کفر و ... انسان را به تبعیت از خود می‌کشاند (به عنوان نمونه ر.ک: انعام: ۱۲۲). در مقابل قرآن کریم با تکیه بر تجربیات جسمانی و نامطلوب انسان هم‌چون انحراف از مسیر که منجر به گم شدن یا به مقصد نرسیدن خواهد شد، وجود مانع در مسیر که راه را طولانی و متحرک را دچار زحمت می‌کند، عدم تعادل در شرایط زلزله یا تلو تلو خوردن و زمین خوردن که ایجاد ترس و اضطراب می‌کند، تجربه نامطلوب انسان از تصادف و برخورد از رو به رو و ... تصویری واقعی و منفی از پیامدهای تبعیت از شیطان در ذهن فرد/جامعه ایجاد می‌کند و به این ترتیب فرد/جامعه را به عدم تبعیت از شیطان سوق می‌دهد.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

آلوسی، محمود (۱۴۱۵). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دار الکتب العلمیه.

آیتی، عبدالمحمد (۱۳۷۴) *ترجمه قرآن کریم*، تهران: سروش.

ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸) *جمهره اللغه*، بیروت: دارالعلم للملایین.

ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱). *المحکم والمحیط الاعظم*، محقق عبدالحمید هنداوی، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن فارس، احمد (۱۴۰۴). *معجم مقاییس اللغه*، محقق عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.

زهري، محمد بن احمد (۱۴۲۱). *تهذيب اللغة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

تحلیل تاثیر طرحواره نیرو در مفهوم‌سازی شیطان ... (فاطمه آبادی و دیگران) ۱۱۳

- افراشی، آزیتا (۱۳۹۷). *استعاره و شناخت*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- الهی قمشاهی، مهدی (۱۳۸۰). *ترجمه قرآن کریم*، قم: فاطمه الزهراء.
- انصاریان، حسین (۱۳۸۳). *ترجمه قرآن کریم*، قم: اسوه.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶). *البرهان فی تفسیر القرآن*، تحقیق قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثه، تهران: بنیاد بعثت.
- جانسون، مارک (۱۳۹۸). *بدن در ذهن: مبنای جسمانی معنا، تخیل و استدلال*، مترجم جهان‌شاه میرزابیگی، تهران: آگاه.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، *تسنیم*، محقق محمد حسین الهی زاده، قم: اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶). *الصحاح*، مصحح: احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت: دارالقلم.
- رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران (۱۳۸۳). *ترجمه قرآن کریم*، قم: دارالذکر.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دار الکتب العربی.
- شعرانی، ابوالحسن (۱۳۷۴). *ترجمه قرآن کریم*، تهران: انتشارات اسلامیه.
- شیبانی، اسحاق بن مرار (۱۹۷۵). *کتاب العجیم*، به کوشش ابراهیم ایاری، قاهره، الهیئه العامه لشئون المطابع الامیریة.
- صاحب، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴). *المحیط فی اللغة*، محقق محمد حسن آل یاسین، بیروت: عالم الکتب
- طاهری قزوینی، علی اکبر (۱۳۸۰). *ترجمه قرآن کریم*، تهران: انتشارات قلم.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصرخسرو.
- عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰). *الفروق فی اللغة*، بیروت: دار الآفاق الجدیدة.
- فارسی، جلال الدین (۱۳۶۹). *ترجمه قرآن کریم*، تهران: انجام کتاب.
- فخر رازی، محمد (۱۴۲۰). *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فرامرزی قراملکی، احد؛ ناسخیان، علی اکبر (۱۳۹۶). *قدرت انگاره*، تهران، نشر مجنون.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). *العین*، قم: نشر هجرت.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه
- کمال‌الدین، حازم علی (۲۰۰۸). *معجم مفردات المشترك السامی*، قاهره: مکتبه الآداب.

کوچش، زلتان (۱۳۹۳). *مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره*، مترجم شیرین پورابراهیم، تهران: سمت
کوچش، زلتان (۱۳۹۶). *استعاره‌ها از کجا می‌آیند؟ شناخت بافت در استعاره*. مترجم جهانشاه
میرزابیگی، تهران: آگاه.

گرمارودی، سیدعلی (۱۳۸۴). *ترجمه قرآن کریم*، تهران: انتشارات قدیانی.
لیکاف، جورج؛ نونز، رافائل (۱۳۹۶). *ریاضیات از کجا می‌آیند؟*، مترجم: جهانشاه میرزابیگی، تهران:
آگاه

مشکور، محمد جواد (بی تا). *فرهنگ تطبیقی زبان عربی با زبان‌های سامی و ایرانی*، بی جا: بنیاد
فرهنگ ایران.

مشکنی، علی (۱۳۸۱). *ترجمه قرآن کریم*، قم: الهادی.
مصطفوی، حسن (۱۴۳۰). *التحقیق فی کلمات القرآن*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳). *ترجمه قرآن کریم*، قم: دارالقرآن الکریم.
هاشمی، احمد (۲۰۱۰). *جواهرالبلاغه فی المعانی والبیان و البدیع*، مصحح محمد صدقی العطار،
بیروت: دارالفکر.

یاسری، محمود (۱۴۱۵). *ترجمه قرآن کریم*، قم: انتشارات بنیاد امام مهدی (عج).

- Forceville, Charles (2016). "The FORCE and BALANCE schemas in JOURNEY metaphor animations." In: Carla Fernandes (ed.), *Multimodality and Performance* (8-22). Newcastle-upon-Tyne: Cambridge Scholars
- Oakley, Todd (2007). "Image Schemas" In: *The Oxford Handbook of Cognitive Linguistics*. Edited by Dirk Geeraerts & Hubert Cuyckens. Oxford University press, New York.
- Brun, S.J. (1895). *Dictionarium Syriaco-Latnum*, Typo. PP. Soc. Jesu, Beryti Phoeniciorum.
- Costaz, L. (2002) *Dictionarie Syriaque-Francais/ Syriac-English Dictionary*, Beirut: Dar El-Machreq.
- Dillmann, A. (1865). *Lexicon Linguae Aethiopiae*, Lipsiae: T. O. Weigel.
- Evans, V. Green, M. (2006) *cognitive Linguistics: An introduction*, Edinburgh: Edinburgh university press
- Gesenius, W. (1939) *A Hebrew and English Lexicon of the Old Testsmnt*, New York: Oxford university press.
- Jastrow, M. (1903) *A Dictionary of the Targumin, The Talmod babli and Yerushalmi and the Midrashic literature*, London: Luzac.
- Jeffery, A. (2007). *The Foreign Vocabulary of the Quran*, Brill, Boston.
- Johnson, M. (1987) *The body in the mind: The bodily basis of meaning, imagination, and reason*, Chicago: The university of chicago press.

Kovecses, Z. (2010) *Metaphor: A Practical Introduction*, Oxford: Oxford University Press.

Langacker, R. W. (2008) *Cognitive grammar: A basic Introduction*, New Yourk: Oxford University Press.

Leslau, W. (1991). *Comparative Dictionary of Ge'ez*, Wiesbaden, Harrassowitz.

Macuch, R. (1963). *A Mandaic Dictionary*, Oxford university press, London.

Orel, V. & Stolbova, O. (1995). *Hamito-semitic Etymological Dictionary*, Brill: New York.

Zammit, M. (2002). *A Comprative Lexical Study of Qur'anic Arabic*, Brill, Boston.